



## وقتی عرصه فرهنگ بازوی تحقق اهداف صهیونیستی می‌شود

یکی از مهمترین ابزارهای تحقق اهداف مورد نظر صهیونیست‌ها در عرصه بین المللی ایجاد انحطاط اخلاقی و فرهنگی در جوامع و حذف اعتماد به نفس مردم در راستای پذیرش برتری صهیونیست‌هاست.

به گزارش آران نیوز: به نقل از خبرگزاری تسنیم، فرهنگ همواره عرصه نمود بسیاری از آرمان های جوامع مختلف بوده و حاکمیت کشورها با استفاده از ابزار فرهنگ، در مسیر پیشبرد اهداف و آرمان های خود حرکت می کنند. نمود استفاده از فرهنگ در راستای اهداف شیطانی حاکمیت یکی از برجسته ترین نشانه های جامعه صهیونیستی است که در ابعاد مختلف و متنوع قابل بررسی است. آنچه در این مقاله به آن اشاره خواهد شد، فعالیت های صهیونیست ها در سه عرصه آموزش و پرورش، سینما و ادبیات است که مبتنی بر مطالبات تمامیت خواهانه صهیونیستی دنبال می شود.

الف: نقش موسسات آموزشی در تثبیت خشونت و وحشیگری صهیونیستی

پایگاه خبری فلسطین الیوم در مقاله ای به نقل از شبکه بی بی سی نوشت: سبک آموزشی رژیم صهیونیستی و مواد درسی ارائه شده در مدارس این رژیم سهم عمده ای در تحریک دانش آموزان و تقویت نفرت آنها نسبت به مسلمانان و عرب ها دارد، تا جایی که در همین سنین آنها را تشویق به قتل و کشتار مسلمانان و ریشه کن کردن فلسطینیان می کند. نتایج مطالعات و بررسی های متعدد انجام شده از سوی کارشناسان و تحلیلگران عرب و یهودی نشان می دهد که عمق کینه و نفرت صهیونیست ها و خشونت و نژادپرستی آنها نسبت به مسلمانان و اعراب در این آموزش های نژادپرستانه ریشه دارد.

کتاب های صهیونیستی مملو از دیدگاه های نژادپرستانه و خصومت آمیز بر ضد مسلمانان است. " موسی هس " یکی از مؤسسان صهیونیسم جهانی در این رابطه می نویسد: «جان انسان ها از روح نجس گرفته شده است، اما سرچشمه جان یهودیان از روح مقدس خداوند است.» وی همچنین می افزاید: «ملت یهود شایسته زندگی جاودان است، اما ملت های دیگر بیشتر شبیه الاغ هستند.» علاوه بر اینکه دیدگاه های یهودی مملو از متونی است که یهودیان را "ملت برگزیده خدا" معرفی می کند. همین موضوع نژادپرستی و خصومت های آنها نسبت به ادیان و اقوام دیگر را افزایش می دهد.

فلسفه روش تدریس در مدارس اسرائیل مبتنی بر این است که تورات و تلمود دو منبع اساسی تاریخ و جغرافیا و ادبیات قومی یهودیان است. یهودیان این دو منبع را محتوای اصلی سنت های روحانی و اخلاقی می دانند و در عین حال آنها را در کتاب های درسی بر اساس بلندپروازی ها و طمع ورزی های خود معرفی می کنند.

بررسی کتاب های درسی کودکان اسرائیلی و کتاب های ادبیات کودکان در سرزمین های اشغالی نشان دهنده حجم گسترده تحریک و مغالطه در این کتاب ها نسبت به عرب ها و مسلمانان و واقعیت های تاریخی است. سبک آموزشی یهودیان حمله به ادیان آسمانی غیر از یهودیت و تقویت خاستگاه های دینی مبتنی بر مالکیت یهودیان بر اراضی فلسطین را به صورت گسترده دنبال می کند. آنها ضمن ابراز تشکیک نسبت به موجودیت دین آسمانی اسلام، آن را عامل اصلی عقب ماندگی و ارتجاع مسلمانان معرفی می کنند. در ابعاد تاریخی نیز روش های آموزشی صهیونیستی مبتنی بر اثبات حق و مالکیت یهودیان در فلسطین است، آنها موجودیت عرب ها و مسلمانان در این کشور را رد کرده و حضور آنها را در سرزمین آباء و اجدادی شان "اشغالگری" توصیف می کنند. علاوه بر این که تمامی اسامی عربی مکان ها و آثار مختلف در سرزمین های اشغالی را با اسامی عبری تغییر داده اند.

کارکرد آموزه های تحصیلی صهیونیستی در ابعاد روانی شامل تقویت نفرت نسبت به عرب ها و تحقیر آنها و تحریک بر ضد آنها است. آنها بر پست و برده بودن نژاد عرب تاکید می کنند و مدعی می شوند که این نژاد فرهنگ و تمدن را نمی پذیرد. صهیونیست ها در عین حال یهودیان را قوم برتر معرفی کرده و مدعی پیشرفته بودن آنها نسبت به دیگر ادیان هستند. کتاب های درسی یهودیان عرب ها را انسان هایی منفور و کج خلق، عقب مانده و وحشی معرفی می کنند تا اقدامات خصومت آمیز خود بر ضد عرب ها را توجیه کرده و زمینه ارتکاب جرایم متعدد بر ضد آنها را فراهم کنند. "منوحن" یکی از فارغ التحصیلان مدارس اسرائیلی در این رابطه می گوید: آنها به ما یاد دادند که چگونه از عرب ها متنفر باشیم و آنها را تحقیر کنیم. آنها به ما یاد دادند که چگونه عرب ها را از اراضی خود (اراضی فلسطین) اخراج کنیم.

حاجیت گورزئیف کارشناس زن یهودی در این زمینه می گوید: مفاهیم مربوط به دموکراسی به صورت کامل از برنامه آموزشی جدا است، چرا که یهودیان، دیگران را شرور توصیف می کنند. آموزه های یهودی نسل های مختلف را با نفرت و کینه نسبت به فلسطینی ها و عرب های اطراف خود پرورش می دهند. آنها حتی قتل و خونریزی مسلمانان و عرب ها را یک فریضه و عبادت بر می شمارند. آدیر کوهین یکی دیگر از کارشناسان یهودی در مقاله ای با عنوان "چهره زشت در آینه" به بررسی محتوای صدها کتاب مربوط به کودکان در سرزمین های اشغالی اشاره کرده و می نویسد که بیشتر آنها شامل اشاره های توهین آمیز نسبت به عرب ها و تشویق برای قتل آنها است.

کتابهای درسی صهیونیستها از سال 2000 میلادی باعث تثبیت حالت جنگ میان مسلمانان و صهیونیست ها شده است. ایلی بودیا استاد دانشگاه حيفا در پژوهشی که انجام داده است مطالب کتابهای آموزشی رژیم صهیونیستی را منحرف خوانده و تأکید

کرده است: این مطالب باعث می شود تا افکاری غیرقابل قبول در خصوص عربها در ذهن دانش آموزان صهیونیست جای گیرد و حس تنفر نسبت به این قوم را در وجود آنان ایجاد کند تا جایی که این مطالب در درازمدت در تصمیمات مقامات دولت عبری در خصوص جنگ یا صلح تأثیر مستقیم داشته است.

بودیا می افزاید: نظام آموزشی اسرائیل برای خلق یک حافظه جمعی جدید برای صهیونیستها شیوه ای نژادپرستانه را پیش گرفته است که همین امر باعث می شود تا واقعیت‌های موجود در تاریخ را قربانی نیازهای کنونی و آتی اسرائیل نماید.

در ادامه پژوهش مذکور آمده است که در کتابهای تاریخ دانش آموزان، صهیونیستها افرادی متمدن و صلح طلب تصویر شده اند و در مقابل تصویر ارائه شده از عربها تصویر مثنی خائن، عقب مانده، جنایتکار، آدم ربای کثیف، تجاوزکار و خرابکار می باشد.

دان یاهف کارشناس یهودی دیگر در مقاله‌ای با عنوان " این جنگ چقدر جالب است" به بررسی صدها متن ادبی اسرائیل پرداخته است. نتایج این گزارش نشان می‌دهد که این متون روحیه خشن نظامی‌گری را در وجدان صهیونیست‌ها زنده کرده و تعصبات قومی آنها را تقویت می‌کند. یکی از نمادهای نظامی سازی آموزش در میان دانش‌آموزان، انجام بازدیدهای دانش‌آموزی از پادگان‌های ارتش اسرائیل و عکس گرفتن آنها است. این رفتارها حس افتخار نسبت به یگان‌ها و گردان‌های ارتش را در میان دانش‌آموزان زنده می‌کنند. آنها در این بازدیدها به نظامیان هدایایی می‌دهند. در تصاویر منتشر شده از این اردوها می‌بینیم که دانش‌آموزان مدارس عبارت‌ها و نامه‌هایی را بر روی راکت‌ها و موشک‌ها می‌نویسند، موشک‌هایی که در جنگ بر ضد غزه و لبنان از آنها استفاده می‌شود.

یکی دیگر از نمادهای نظامی سازی آموزش و پرورش در سرزمین‌های اشغالی تصدی افسران ارشد ذخیره ارتش رژیم صهیونیستی در مناصب اداری مهم در بخش آموزش و مدیریت مؤسسات تربیتی است. وزارت آموزش رژیم صهیونیستی با استفاده از افسران بازنشسته ارتش و سرویس‌های جاسوسی، آنها را وارد فضای آموزش و پرورش کودکان می‌کند. تمام آنچه که گفته شد، موضوعاتی بود که در مدارس رسمی و لائیک به کار گرفته می‌شود، این در حالی است که اوضاع مدارس دینی و تلمودی بسیار بغرنج‌تر و مصیبت‌بارتر از این‌ها است. در همین راستا بسیار از خاخام‌های صهیونیست خواستار ریشه‌کنی تمامی عرب‌ها هستند و بخش عمده‌ای از جامعه صهیونیستی فتوای آن‌ها را مقدم بر تمامی آموزه‌های دیگر می‌دانند.

سیستم آموزش صهیونیست‌ها شهر قدس را یک شهر کاملاً یهودی و پایتخت دولت اسرائیل معرفی کرده و موجودیت آثار تاریخی عربی و اسلامی در این شهر را نادیده می‌گیرد. آنها مدعی هستند که مراکز عبادی مسلمانان و مسیحیان بر روی ویرانه‌های معابد موهوم یهودی بنا گذاشته شدند. در راستای همین آموزه‌ها است که اولویت تخریب گسترده مسجداً اقصی و حفر تونل‌های متعدد در زیر این مسجد در دستور کار رژیم صهیونیستی قرار دارد. جزوهای دانش‌آموزان صهیونیست تصاویری از هیکل موهوم را به جای مسجداً اقصی نمایش می‌دهند و کار به جایی رسیده که روزنامه صهیونیستی هآرتس با استناد به این تصاویر در مطلبی نوشت که انتشار این تصاویر مجوز هر نوع رفتار برای برپایی هیکل موهوم را صادر می‌کند.

تحریک‌هایی که در کتاب‌های درسی کودکان صهیونیست گنجانده شده است، به صورت رسمی و برنامه‌ریزی شده از تمامی دانش‌آموزان می‌خواهد که برای احداث هیکل موهوم تعهد دهند و آن را به عنوان یکی از مأموریت‌هایی که صرفاً برعهده کابینه رژیم صهیونیستی گذاشته شده، قلمداد نکنند. بلکه آن را مسئولیت و وظیفه دینی و ملی هر فرد یهودی و اسرائیلی بدانند.

ب: سینما؛ ابزار تبلیغ هژمونی غربی- صهیونیستی در جهان

سینمای صهیونیسم جهانی یکی از مهم‌ترین ابزارهای فرهنگ سازی در جهان است که هالیوود را می‌توان یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین ابزارهای فعال در این عرصه ارزیابی کرد. فیلم‌هایی که در کمپانی‌های تبلیغاتی رژیم صهیونیستی ساخته می‌شود، به گونه‌ای است که همواره پیام‌های مورد نظر صهیونیست‌ها را در قالب‌های جذاب به بینندگان القا می‌کند. این پیامها دربرگیرنده مسائل زیر است:

1 - ترویج خشونت و وحشیگری:

صهیونیست‌ها از خشونت و اعمال ضد انسانی و وحشیگری در سینما به نفع خویش در تولید فیلم‌های سینمایی استفاده کرده‌اند. تهیه‌کنندگان صهیونیست هالیوود در پی سالها تجربه دریافته‌اند که خشونت و وحشیگری علی‌رغم زشتی باطن و نتایج تلخ آن، بر روی پرده سینما ظاهری جذاب و شیرین دارد و همین ظاهر جذاب و فریبنده فیلم‌های چند دهه اخیر را از خشونت و کشتار لبریز کرده است. بسیاری از فیلم‌های ظاهراً خشن واجد گرایش‌های سیاسی نیز هستند و در لایه‌های زیرین خود، هدف و سیاست خاصی را دنبال می‌کنند.

2 - تصویر مثبت یهودیان در فیلم‌های سینمایی:

کمتر فیلم آمریکایی را می‌توان یافت که در آن یک یا چند شخصیت یهودی وجود نداشته باشد و طی آن به مبارزه با شر و تباهی و کمک به حق و عدالت نپردازد یا آن که در قالب شخصیت نابغه‌ای مجسم نشود که در سطح و حیطه فعالیت خود هیچ کس یارای رقابت با وی را ندارد. آنها در ساخت این گونه فیلم‌ها دائماً در پی آن هستند که یهودیان را به عنوان انسان‌هایی شریف، مسالمت‌جو و احیاناً رمانتیک معرفی کنند که رؤیای سرزمین موعود را در سر پروراندند و از رویارویی با خطرات هیچ گونه باکی ندارند.

3 - تصویر منفی مسلمانان در سینمای صهیونیست‌ها:

صهیونیستها از همان سالهای آغازین سینما، فیلمهایی بر ضد مسلمانان و اعراب ساختند. سینمای صهیونیستی لحظه ای از توصیف مسلمانان به ویژه اعراب به عنوان گروهی جاهل و وحشی و بلکه تروریست بازنایستاده است. گاهی اوقات این کار به صورت مستقیم و برخی اوقات هم به صورت غیرمستقیم صورت می پذیرد و از این طریق چنین افکاری به بیننده غربی و حتی گاهی به بیننده مسلمان القا می شود.

سینمای صهیونیسم همواره، از اعراب چهره ای ترسو و تروریسم ارائه می دهد، افرادی که می کشند و می گریزند و از رودرروی گریزانند، و اگر جزء افراد فرهنگی و یا تحصیلکرده در غرب باشد در نتیجه مانند یک روستایی ساده که به شهر آمده است از گسیختگی شخصیتی یا آسیب فرهنگی رنج می برد که در نهایت وی را به انجام جرم و تحقیر نفس وادار می کند.

سینمای صهیونیستی تأثیراتی منفی بر حقوق اعراب در فلسطین دارد و حمله به غیریهودیان و عقاید آنها را اصل وصیت مقدس می داند به گونه ای که یهودیان در این سینما دائماً در مقام اقلیت حاکم و مسلط و برتری جو هستند و شرق و غرب عالم به یک اقلیت مخالف ( دشمن ) تبدیل می شوند. همین امر نگرشی نژادپرستانه به وجود می آورد که ضرورتاً با اهداف اعلام شده و اعلام نشده صهیونیسم تلاقی پیدا می کند.

4 - ترویج فساد و گسترش اسلام ستیزی:

در پروتکل نهم دانشوران صهیون آمده است: " ما نسل کنونی غیریهودی را با ایجاد کانال اندیشه و نظریه های فاسد، فاسد کرده ایم ". در پروتکل هفدهم نیز آمده است: " ما توجه بسیار زیادی به ضربه زدن به کرامت روحانیون قائل شدیم، و موفق گردیدیم تا ضرباتی را به مکاتبشان که می تواند مانعی در برابر ما باشند وارد سازیم ". از این روست که ملاحظه می کنیم اکثر فیلمهای سینمایی و سایتهای مستهجن موجود در اینترنت متعلق به یهودیان است!

هنری فورد سینمای آمریکا را ماهیتاً یهودی می دانست و آن را مهم ترین و مؤثرترین ابزار تبلیغی یهودیان برمی شمرد. او بر این باور بود که یهودیان از طریق سینما سعی در تخریب و انهدام ارزشهای اخلاقی و مبانی اعتقادی جامعه آن روز آمریکا را دارند. امروزه پس از حدود هشتاد سال پیش بینی های هنری فورد و هشدارهای او به جامعه آمریکا محقق شده اند. رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی سیاستهای توسعه طلبانه و تروریستی خود را ادامه می دهد و لابی صهیونیستی در آمریکا نیز عملاً بر سیاستهای داخلی و خارجی آمریکا به ویژه سیاستهای خاورمیانه ای آن سیطره کامل دارد. اخلاقیات ملت آمریکا نیز چنان رو به زوال رفته است که صاحب نظران اجتماعی و اندیشمندان دینی به کلی از آینده این ملت قطع امید کرده اند.

در سینمای امروز هالیوود، روابط جنسی میان نوجوانان آمریکایی و به تبع آن تولد فرزندان نامشروع و مشکلات اجتماعی ناشی از این پدیده سوژه ای جذاب و در عین حال کاملاً عادی تلقی می گردد. در این فیلمها، حتی والدین نوجوانان فریب خورده نیز از رفتار فرزندانشان چندان متعجب نمی شوند و بیشتر نگران هزینه نگهداری از نوه های نامشروع خویش اند. امروز صهیونیسم حاکم بر هالیوود هیچ حریمی را محترم نمی شمارد و مقدس ترین شئون اجتماعی را به تمسخر می گیرد.

5 - ترویج خرافه های دینی:

منظور از خرافه های دینی، شائبه هایی است که بشر بر مبنای تخیل و نفس اماره به ساحت مقدس دین که جلوه ای از حقیقت رحمان است منتسب می کند و این شائبه های خیالی را که زاینده کیده های شیطان است عین حقیقت می انگارد.

خرافات دینی یهود متکی بر چند رکن است که هر یک تاکنون بارها دستمایه آثار سینمایی گوناگون قرار گرفته و بعضاً به ادیان دیگر (از جمله آیین مسیحیت) نیز تسری یافته اند. رکن اول: نگاه خرافی یهود نسبت به مفهوم شیطان است. براساس این نگرش، شیطان مفهومی اهریمنی است که با قدرتی مخوف و ویرانگر در برابر اراده پروردگار قد علم می کند و با کمک پیروانش نسل آدمی را در معرض نابودی قرار می دهد.

از دیگر خرافه های صهیونیستی که به سینما راه یافته: " افسانه آخرالزمان " و پیشگوییهای مربوط به آن است که در فیلمهایی نظیر: نوستراداموس، آرمادون و روز استقلال، ردپایی از آن می توان یافت. براساس این افسانه، فاجعه ای عظیم حیات بشری را تهدید خواهد کرد و آخرین نبرد خیر و شر در جغرافیای خاصی از زمین به وقوع خواهد پیوست. وسعت فاجعه آن همه است که انسانها از مقابله با آن درمی مانند و ناامیدانه به هوشمندترین و شجاع ترین نژاد بشری (یعنی آمریکایی ها) پناه می برند! مهم ترین تأثیر این گروه از فیلمهای خرافی آن است که حس اعتماد به نفس را در مخاطبان جهان سومی نابود می سازد و همزمان اعتماد و انقیاد نسبت به صاحبان اصلی دنیا را - که به زعم این فیلمها آمریکاییان و یهودیان هستند- ترویج می نماید.

صهیونیسم بین الملل با ترویج خرافات از طریق سینما، به نوعی جهانی سازی اسطوره ای دست زده و قصد آن دارد تا باورهای خرافی خود در زمینه: شیطان، پایان دنیا، ظهور منجی یهود، سفر به سرزمین موعود و تشکل امپراطوری جهانی را به سایر اقوام و ادیان نیز تسری می دهد.

6 - تضعیف ادیان الهی:

تضعیف ادیان الهی یکی دیگر از شیوه هایی است که همواره در تبلیغات سینمای صهیونیسم جهانی مورد توجه دست اندرکاران آن بوده است. این شیوه از ابتدا برای تقویت تفکر نژادپرستانه صهیون مورد استفاده تبلیغات سینمای صهیونیسم قرار می گرفته است و صنعت سینما ابزار و امکان مناسب و جاده همواری برای رسیدن به این مقصد بوده است

تبلیغات صنعت سینما همواره مؤید و مروج سیاستهای صهیونیسم بین الملل بوده و در خصوص اقدامات تجاوزکارانه و جنایتهای وحشیانه صهیونیستها سکوت می کنند. این هنر از ابتدای پیدایش تا امروز، در راستای خواسته ها و سیاستهای جهانی

صهیونیسم فعالیت کرده است. یهودیان بجز در موقعیتها و شرایطی فوق العاده مطلوب و دلپذیر بر پرده سینما ظاهر نمی شوند. همچنین تبلیغات صهیونیسم مذاهب دیگر را مورد تهاجم قرار می دهند.

پروتکل هفتم دانشوران صهیون مؤید همین نظر فوق العاده جالب است: مدتها کوشیده ایم روحانیون غیریهود را بی اعتبار ساخته و به این وسیله مأموریت تبلیغی آنها را که می توان در حال حاضر به طور قابل ملاحظه ای مزاحم ما شود خنثی کنیم. نفوذ آنها هر روز بر مردم افزایش می یابد.

ج: ادبیات در خدمت اهداف صهیونیستی

ادبیات اسرائیلی در راستای خدمت به منافع این رژیم بنا گذاشته شده است. گفتمان سیاسی رسانه‌های اسرائیلی ویژگی‌های زیادی در تعامل با برخی مسایل حساس بویژه مسایل مربوط به جنگ‌ها دارند، از جمله این نشانه‌ها میزان بالای تعهد این رسانه‌ها به سیاست های رسمی اعلام شده از سوی کابینه است. پایبندی مطلق رسانه‌های اسرائیل در راستای منافع سیاسی و نظامی این رژیم به گونه‌ای است که همواره روایت‌های رسمی در مورد حوادث را بدون چون و چرا می‌پذیرند، مثلا از مشروعیت حمله اسرائیل به یک منطقه جغرافیایی سوال نمی کنند.

ویژگی دیگر رسانه‌های اسرائیل ترویج اقدام نظامی اسرائیل و ادامه جنگ روانی برای بالا بردن روحیه افکار عمومی رژیم غاصب است، این بخشی از جنگ اسرائیلی‌هاست و رسانه‌های اسرائیل به عنوان بهترین ابزار در دست ارتش هستند تا پیام های نظامی و امنیتی آن را به دیگران منتقل کنند.

رژیم صهیونیستی سیاست تحریک و تحریف واقعیت‌ها را هم زمان با اعلام موجودیت خود دنبال کرده است. این رژیم حمله‌های تحریک‌آمیز خود را با هر تجاوز به فلسطین به بالاترین اوج خود رسانده است. در تجاوز لبنان در سال 1982 اسرائیل حمله تحریک‌آمیز گسترده‌ای را بر ضد این کشور آغاز کرد و اظهارات نژادپرستانه ای از سوی مقامات این رژیم مطرح شد، از جمله این اظهارات، توهین پگین نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی بود که گفت: فلسطینی‌ها حیواناتی هستند که بر روی دو پا راه می‌روند. رافائل ایتان رئیس ستاد ارکان وی نیز گفت: فلسطینی‌ها سوسک‌هایی هستند که در یک بطری هستند. همچنین اظهارات خصمانه و نژادپرستانه ای از سوی سرکردگان رژیم صهیونیستی در زمان انتفاضه سنگ و انتفاضه الاقصی مطرح شد.

یکی از روزنامه‌های رژیم صهیونیستی مقاله ای از یک پزشک اسرائیلی با عنوان موشه روزنبلت منتشر کرد که خواستار استفاده از بمب‌های بزرگ بر ضد شهرهای فلسطینی شده بود تا " عناصر مخرب " را از آن خارج کنند. وی مدعی بود این حق اسرائیل است که شهرهای فلسطینی را موشک باران کند همان طور که دول متحدین در جنگ جهانی دوم بر ضد آلمان این کار را انجام دادند.

در مقابل رسانه‌های اسرائیلی هر از چند گاهی اصطلاحات و تعبیراتی را به کار می‌برند که نشان دهنده وحشت یهودیان از آینده آنها است. آنها اقدامات مقاومت را که در اراضی اشغالی روی می‌دهد به تحولات گذشته آلمان ارتباط می‌دهند تا بتوانند مقاومت مشروع فلسطینی‌ها را با تروریسم منفور آلمان نازی شباهت دهند. آنها می‌خواهند به دنیا این‌گونه وانمود کنند که عملیات‌هایی که بر ضد یهودیان اسرائیلی انجام می‌شود، امتداد رویکرد تحریک‌آمیز بر ضد آنها است، چرا که غالباً در رسانه‌های اسرائیلی تنها تصاویری از فلسطینی‌ها منتشر می‌شود که آن‌ها شیشه‌های انفجاری (کوکتل مولوتف) در دست دارند یا سنگ به سمت نظامیان صهیونیستی پرتاب می‌کنند یا پرچم‌های عراق و حزب‌الله لبنان را در دست دارند و پرچم‌های اسرائیل و آمریکا را به آتش می‌کشند.

وحدت در اصطلاح سازی رسانه‌های دشمن صهیونیستی قابل توجه است. به عنوان مثال تمام رسانه‌های اسرائیل برای صحبت از مقاومت فلسطین یا لبنان از واژه خرابکار یا تروریست استفاده می‌کنند و همگی برای نامیدن نظامیان به هلاکت رسیده خود از واژه شهید استفاده می‌کنند. همبستگی ملموسی در گفتمان رسانه‌های اسرائیل به علت وجود سانسور نظامی و رعایت خطوط قرمز هست که نباید از آنها تجاوز شود.

این رژیم اخیراً به تغییر نامهای جغرافیایی و نام‌های شهرها و خیابانها از عربی به عبری پرداخته و دستور داده تا تابلوهای مغازه‌ها را تنها به زبان عبری بنویسند و بکار بردن واژه های عربی در تابلوی مغازه‌ها موجب بسته شدن آنها و تعقیب قضایی می‌گردد. به این ترتیب رژیم صهیونیستی در پی سرقت تاریخ و جغرافیا و فرهنگ و زبان فلسطین و نیز تغییر افکار و آرای عمومی جهانیان بر آمده است.

استفاده از واژه کنیست به عنوان مکان مقدس عبادت در آئین یهودی برای نامگذاری پارلمان رژیم صهیونیستی نشان از رویکردهای افراط گرای دینی در جامعه صهیونیستی است که از آموزه های دینی در مسیر سیاست های سلطه طلبانه خود استفاده می کنند.

در همین رابطه به چند اصطلاح سیاسی رایج دیگر این رژیم می پردازیم:

یکی از واژه های رایج جعلی این رژیم ، جایگزینی اصطلاح سرزمینهای مورد اختلاف به جای اراضی اشغال شده یا سرزمینهای اشغالی است. صهیونیست ها به این ترتیب می خواهند از بار منفی اشغالگری خود در اراضی فلسطین بکاهند.

جایگزینی اصطلاح همسایگی و اهل محل به جای شهرکهای غیر قانونی یکی دیگر از این تلاش ها برای توسعه شهرک سازی صهیونیستی است. همچنین جایگزینی اصطلاح رشد طبیعی به جای توسعه غیر قانونی شهرک سازی نیز در همین راستا ارزیابی می شود.

صهیونیست ها با به کارگیری واژه تخته سنگ (Rocks) برای توصیف سنگهای کوچکی (Stones) که فلسطینیان برای دفاع از خود به طرف دشمن پرتاب می کنند، در مسیر سنتی خود برای مظلوم نمایی در میان افکار عمومی قدم بر می دارند. آنها همچنین سعی دارند با بازی با کلمات اقدامات نژاد پرستانه خود را کم اهمیت جلوه دهند. در همین راستا صهیونیست ها به جای دیوار نژاد پرستانه حائل از عبارت پرچین و دیوار استفاده می کنند.

استفاده از اصطلاح نیروهای دفاعی به جای واژه نیروهای اشغالگر اسرائیلی ، بکارگیری واژه فشار جسمی معتدل به جای "شکنجه" در زندانهای این رژیم از دیگر سیاست های صهیونیست ها برای به خدمت گرفتن ادبیات در مسیر اهداف خود است. در قاموس واژه های انگلیسی کلمه (Deportation) به معنای دور کردن بیگانگان در دسر ساز به کشورهایشان می باشد در حالیکه اسرائیل این واژه را برای طرد و یا نفی بلد فلسطینیانی که آنها را از سرزمین خود می راند بکار می برد. گویی که فلسطینی ها در سرزمین خود زندگی نمی کنند. در مقابل رژیم صهیونیستی مهاجرت یهودیان اروپا و روسیه و اتیوپی و آمریکا و یا یهودیان ساکن در هر نقطه عالم را به فلسطین، بازگشت (Return) توصیف می کنند.

رژیم صهیونیستی با پروژه بازی با لغات و اصطلاحات ، افکار عمومی دنیا و خصوصا کشورهای غربی و یا حداقل آمریکائیان را در قبال قضیه فلسطین شکل می دهد. اسرائیل با این سیاست نه تنها حق ملت فلسطین را در وطن خودشان به طور کامل نفی می کند و افکار عمومی را از اصل و جوهر قضیه فلسطین منحرف می سازد بلکه همچنین به خواننده و یا شنونده اینگونه القاء می کند که اسرائیل فلسطینی هایی را که برای کار! به این سرزمینها آمده اند پذیرایی کرده در حالیکه این فلسطینی ها هستند که نمک خورده و نمکدان می شکنند و دائما جنگ به راه انداخته و یا خواهان نزاع و درگیری هستند و نه صلح!